

مروری بر توصیه‌های پیامبر در تبلیغ دین

سیدرضا موسوی

عضو حلقه علمی تاریخ اسلام / دانش آموزخته دوره نیمه تخصصی تاریخ اسلام

چکیده

لزوم توجه به مسئله تبلیغات در عصر حاضر، که از آن به عنوان عصر ارتباطات یاد می‌شود، بر کسی پوشیده نیست. این واقعیت در حالی است که ما شاهد پیشرفت تبلیغاتی غرب و ضعف و کم توجهی مسلمانان به این مسئله می‌باشیم.

این ضرورت و از سوی دیگر کاستی‌های موجود، ما را برآن داشت تا به سیره پیامبر اکرم در این زمینه - که تاکنون کمتر به آن توجه شده - بپردازیم و از عملکرد ایشان که به حق اسوة مبلغان والگویی جاودان برای تمامی اعصار می‌باشند، الگوبرداری نماییم.

بی‌گمان امروزه، همه ماتشنه آن سفارش‌هایی هستیم که نبی مکرم اسلام به مبلغان دین - به ویژه هنگام اعزام آنان به مناطق مختلف - گوشزد کرده، راهکارهای نتیجه‌گیری و ثمربخشی تبلیغات را تبیین می‌نمود.

توصیه‌های فراوان پیامبر در این زمینه از اهمیت و جایگاه بلند این مسئله حکایت می‌کند. ایشان در سفارش‌های خود گاهی به ویژگی‌هایی که می‌بایست در یک مبلغ برای تاثیرگذاری عملکردش در مخاطبان وجود داشته باشد اشاره می‌کرد و صفاتی مانند علم و آگاهی، تقوا و عمل صالح، صبر و استقامت، تواضع و فروتنی و... را برای یک مبلغ امری لازم و





ضرور بر می‌شمرد و گاهی نیز به اهمیت رعایت ظرفیت عقلی و جسمی مخاطبان، و روش‌هایی که می‌بایست در تبلیغ دین بدان توجه شود اشاره می‌نمود؛ روش‌هایی مانند تدریجی بودن تبلیغ، روش مدارا و آسان‌گیری، روش حکمت و... در این نوشتار سعی شده تا مخاطبان را با گوشه‌ای از این سفارش‌ها آشنا نماییم.

کلیدواژه‌ها: تبلیغ، توصیه، پیامبر اکرم، دین، مبلغ، مخاطب، روش‌های تبلیغ، پیام دین،

مقدمه

حجم آثار منتشر شده درباره زندگانی و سیره پیامبر اکرم ﷺ روزبه‌روز فزونی می‌یابد، و در این میان خلأ آثاری در زمینه تبلیغ و ارتباطات و بهره‌گیری از راهکارها و عملکردهای آن حضرت به عنوان برترین الگوی موجود، بیش از پیش نمایان می‌شود. یقیناً این وضعیت برای جامعه‌ای که داعیه‌دار حکومت دینی است، و خود را از پیشقراولان ترویج افکار و اعتقادات بلندی می‌داند که می‌تواند به سعادت جامعه بشری کمک نماید، تامل برانگیز می‌باشد.

در حالی که قدرت‌های پوشالی و تهی از معارف و حقایق، روزبه‌روز بر وسعت و حجم تبلیغات مسموم خود می‌افزایند و مغزها و اندیشه‌ها را آماج حملات خود قرار می‌دهند، شاهد بی‌اعتنایی و کم‌توجهی مسلمانان به این مسئله مهم و حیاتی می‌باشیم، و آیین والایی که بی‌گمان مایه سعادت و رسیدن بشر به قله‌های والای انسانیت و معنویت می‌باشد مهجور مانده است.

آری امروز دیگر (در عصر ارتباطات) ایستگاه‌ها و مراکز تبلیغاتی، ابزاری است که به جای توپ و تانک و موشک مورد استفاده قرار می‌گیرد و این سلاح برنده تبلیغ، و استیلای تبلیغاتی است که رهبران فکری جوامع بشری را تعیین می‌نماید؛ و بی‌گمان بزرگ‌ترین جنگ قرن حاضر، جنگ فرهنگی و تبلیغاتی و تسخیر اذهان و اندیشه‌هاست.

نمونه‌ای از سخنان سیاستمداران غربی در زمینه اهمیت تبلیغات شایان توجه است. کارتر رئیس جمهور اسبق آمریکا می‌گوید: «یک دلار برای تبلیغات بهتر است تا ده

دلار برای تسلیحات».^۱ و ناپلئون می گوید: «از صدای قلم روزنامه نگاران بیشتر می ترسم تا صغیر روزنامه‌ها»^۲

با توجه به این نگرش‌ها و با نگاهی کوتاه بر وسعت و حجم تبلیغات استکبار جهانی، و امکانات مدرن و عظیمی که در سیستم تبلیغاتی آنها به کار گرفته شده، ارزش و جایگاه تبلیغات در جهان امروز بهتر تفهیم خواهد شد.

البته فاجعه سرعت غرب در پیشرفت تبلیغاتی و ضعف و کم‌توجهی مسلمانان به این موضوع هنگامی قابل لمس تر خواهد بود که توجه و نگرش دین اسلام و بزرگان دین - به ویژه پیامبر اکرم ﷺ - را نسبت به این مقوله دریابیم.

در حقیقت وقتی خطاب قرآن به پیامبر «ما علی الرسول الا البلاغ»^۳ و فریادهای آخرین سفیر وحی در میان یارانش «انما انا مبلغ»^۴ و صدها سخن دیگر از معصومین را در این زمینه - که حتی اصول و مبانی و روش‌های تبلیغ را مورد نظر قرار داده‌اند - مشاهده می‌نماییم، گناه بزرگ و نابخشودنی کسانی را که به رغم توانایی قدم نهادن در این مسیر، در انجام این فریضة الهی کوتاهی می‌نمایند بهتر درک می‌نماییم.

تمامی این کاستی‌ها و عقب ماندگی‌ها و لزوم بهره‌گیری و الگوبرداری از عملکرد بزرگان دین در این زمینه، ما را برآن داشت تا به مطالعه و بررسی سخنان ارزشمند و پر محتوای رسول مکرم اسلام - که به حق اسوه مبلغان و ارائه دهنده زیباترین و کارآمدترین راه و روش تبلیغ دین می‌باشد - پردازیم و سفارش‌های آن حضرت را برای تمامی مسلمانان، به ویژه آنهایی که داعیه ارشاد و هدایت مردم را دارند، متذکر شویم.

امروزه همگی تشنه آن سفارش‌هایی هستیم که پیامبر هنگام اعزام معاذ بن جبل به یمن، پیاده در پی مرکب او می‌رفت، و در حالی که معاذ بر مرکب سوار بود او را نسبت به امر تبلیغ دین سفارش می‌نمود؛^۵ اطمینان داریم که تأمل و تدبّر در این

۱. حسین حسینی، پس از باران، ص ۱۵.

۲. همان.

۳. مائده ۹۹.

۴. مسند احمد بن حنبل، ج ۴، ص ۱۰۱؛ طبرانی، معجم الکبیر، ج ۱۹، ص ۳۸۹.

۵. ابن جوزی، صفة الصفوة، ج ۱، ص ۴۹۴.





توصیه‌ها برای همگان - به‌ویژه مبلغان دین - بسیار سودمند است و آنان را در پیشبرد اهدافشان یاری می‌رساند؛ زیرا پیامبر با عملکرد فوق‌العاده‌اش در جامعه منزوی و روبه انحطاط آن روز، به گونه‌ای عمل نمود که حیرت و تعجب همگان را برانگیخت و برنامه جامعی از تبلیغات صحیح و پرثمر را به تصویر کشید. اینک امیدواریم تا با پیروی از سفارش‌های آن حضرت و عمل به آنها، با تمام سعی و تلاش در این راه قدم گذاشته، تشنگان چشمه زلال معارف الهی را سیراب سازیم و حقیقت اسلام ناب محمدی را بر همگان روشن نماییم.

بخش اول: مبلغ

عملکرد محمد ﷺ به عنوان اولین مبلغ تعالیم والای اسلام، به گونه‌ای است که حیرت و تعجب آدمی را برمی‌انگیزد و او را به تفکر وامی‌دارد. به راستی ایشان چگونه توانست در مدت کوتاه رسالت خویش آن همه تحول و دگرگونی در جامعه عقب مانده و گمراه آن روز ایجاد نماید، و به تعبیر ویل دورانت «اگر میزان بزرگی را تأثیر شخصیت فرد در مردم و اجتماع بشری بدانیم، باید بگوییم: محمد از برجسته‌ترین بزرگان تاریخ بشری است».^۱

بی‌گمان همگان اذعان خواهند نمود که جامعه بشری هیچ‌گاه تلاش‌های محمد ﷺ را در راه تبلیغ دین فراموش نخواهد کرد، و ایثار و فداکاری‌های او را در طول مدت رسالتش ارج خواهد نهاد.

آنچه در طول زندگانی آن حضرت قابل توجه است بهره جستن از تمامی فرصت‌هایی است که برای تبلیغ دین به دست می‌داد. ابن سعد می‌نویسد: «محمد هر سال به هنگام حج به سراغ حاجیان می‌رفت و آنها را به اسلام دعوت می‌کرد... حتی پیامبر به سراغ یک یک افراد قبایل می‌رفت و...»^۲ یا ابن هشام می‌نویسد: «برای حضرت کافی بود که بشنود مرد محترمی از رؤسای قبایل یا دیگران به شهر مکه

۱. آل اسحاق، خویی، علی، اسلام از دیدگاه دانشمندان جهان، ج ۱، ص ۴۷۰، به نقل از: سیر تاریخ تمدن.

۲. ابن سعد، طبقات، ترجمه دکتر محمود مهدوی دامغانی، ج ۱، ص ۲۱۳.

آمده است، آن حضرت به محض شنیدن بر می‌خاست و به دنبال آن مرد می‌رفت، و او را به دین دعوت می‌کرد...»^۱.

به عبارتی سراسر زندگانی محمد وقف تبلیغ و هدایت مردم گردید، و در پیمودن این راه خون دل‌ها خورد و از بهترین موقعیت‌ها دست کشید.

البته تبلیغ دین تنها به مکان‌هایی که پیامبر ﷺ حضور می‌یافت محدود نمی‌شد، بلکه آن حضرت بارها پیروان برجسته خویش را به مناطق مختلف اعزام می‌نمود، تا دیگر مردم را به اسلام دعوت نمایند. یکی از سفارش‌های پیامبر به مُعَاذ بن جَبَل - هنگامی که وی را برای تبلیغ دین به یمن می‌فرستاد - در همین زمینه می‌باشد، آنجا که فرمود: «برای نشر تعالیم اسلام معلّمینی به هر سوی بفرست». ^۲ اهتمام پیامبر نسبت به این مسئله و ترغیب و تشویق ایشان نسبت به رساندن پیام دین، اهمیت امر تبلیغات در نگاه حضرت را روشن می‌سازد تا جایی که باید گفت از همان ابتدای طلوع اسلام تا به امروز، مبلغان دین نقش بسزایی در گسترش اسلام و هدایت مردم داشته‌اند.

نام تعدادی از مبلغان پیامبر و محل تبلیغ ایشان

نام مبلغ	مکان تبلیغ
عبدالله بن سهیل بن عمرو	بنی محارب
علی بن ابیطالب <small>رضی الله عنه</small>	یمن - جذیمه
رجال بن عبدالله	اهل یمامه
مُصَعَّب بن عُمَیر	مدینه
مُعَاذ بن جَبَل	یمن
علاء بن خَضْرَمی	عمان
طفیل بن عمر	قبیله دوس
غالب بن عبدالله و گروهی از مسلمانان	بنی مُدَلِج
خالد بن ولید	بنی جذیمه
عمر بن أمیه ضَمَری	هُذَیَل



^۱. سیره ابن هشام، ترجمه سید هاشم رسولی، ج ۱، ص ۲۷۶.

^۲. تحف العقول، ترجمه جنتی، ص ۲۸.



اما اینکه پیامبر اکرم چه ویژگی‌هایی را برای یک مبلغ لازم و ضرور می‌دانست، سؤال است که ما با استفاده از چگونگی انتخاب مبلغان دین توسط پیامبر و توصیه‌های ایشان در این زمینه درصدد پاسخ‌گویی به آن می‌باشیم و امیدواریم که بهره‌گیری از این سفارش‌ها راهگشای کار مبلغان بوده، آنان را در انجام این وظیفه سنگین یاری نماید.

تقوا و عمل صالح

رساندن پیام الهی کاری سترگ است، و سیراب نمودن فطرت‌های تشنه معرفت از زلال جاری احکام، از سنخ حیات بخشیدن و زندگی دادن است. بی شک انجام این عمل خطیر و حساس، تنها از عهده انسان‌هایی بر خواهد آمد که شهد شیرین عمل به احکام و دستورات دین را با تمام وجود چشیده و دین را به صحنه زندگیشان بکشانند.

بی‌تردید آن‌کس که اهل تقوا و دینداری نیست به هیچ وجه توفیقی در هدایت و ارشاد مردم به دست نخواهد آورد؛ زیرا فقدان تقوا و عمل صالح از سویی به عدم جدیت و تلاش مبلغ در دعوت مردم می‌انجامد و انگیزه‌های روانی در مبلغ به خوبی ایجاد نخواهد شد؛ و از سوی دیگر، در مخاطبان تأثیرگذار نیست و گاه نتیجه عکس می‌دهد.

اهمیت این ویژگی برای مبلغ تا حدی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بارها بر آن تأکید فرمودند. این مسئله در توصیه‌های پیامبر به مُعَاذِ بْنِ جَبَل به خوبی هویدا است آنجا که می‌فرماید: «ای مُعَاذ... تو را سفارش می‌کنم به ترس از خدا، راست‌گویی، وفای به عهد... ملازمت ایمان و تدبیر در قرآن... کنار هر سنگ و درخت به یاد پروردگار خود باش، از گناهان نهان و آشکار توبه کن...»^۱ و یا به عمر بن حزم انصاری آن‌گاه که او را به سوی قبیله بنی الحارث بن کعب اعزام نمود فرمود: «در هر کار از خدا بترس، که خدا پشتیبان مردم خداترس و نیکوکار است»^۲

وجود این ویژگی در فرستادگان پیامبر به مناطق مختلف، به خوبی از توجه ایشان به این مسئله حکایت می‌نماید. در واقع اعزام مبلغانی همچون علی بن ابی‌طالب،

^۱. همان.

^۲. تاریخ ابن خلدون، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، ص ۴۵۷.

مُصْعَب بن عمیر، مُعَاذ بن جبل و... - که تاریخ گواه بر نفوذ ایمان و معنویت در قلوب آنان می‌باشد - مؤید این مطلب است.

علم و آگاهی

علم و آگاهی از شرایطی است که تنها در سایه آن می‌توان در مسیر تبلیغ و رهبری جامعه گام نهاد، و به فرموده پیامبر اکرم ﷺ «دین خداوند متعال را تنها کسی یاری می‌رساند که به تمام جوانب آن احاطه داشته باشد».^۱

به راستی آیا کسانی که انوار علوم و معارف الهی بر قلوبشان نتابیده است و از علم و آگاهی در زمینه مسائل دینی بهره‌ای نبرده‌اند، می‌توانند پرچم هدایت و ارشاد جامعه را به دوش کشند و آن را در مسیر صحیح حرکت دهند؟ چگونه ممکن است بدون سلاح علم در زمینه تبلیغ توفیقی کسب نمود، و به تعبیری: «خفته را خفته کی کند بیدار».

مُبَلِّغ ناآگاه از جمله خطرانی است که دین را تهدید می‌کند و به آن لطمه می‌زند، و پیامبر اکرم چه زیبا فرموده‌اند که: «فتنة اللسان أشد من فتنة السيف»^۲ «فتنه زبان شدیدتر است از فتنه شمشیر».

آن حضرت از یک سو همگان را از فتوا دادن و ارشاد بدون علم و آگاهی بر حذر می‌دارند و فتوا دهندگان ناآگاه را لایق لعن ملائکه آسمان و زمین برمی‌شمارند و از سوی دیگر درگزینش افراد برای انجام تبلیغ، میزان علم و آگاهی آنان را مد نظر قرار می‌دهند. با بررسی اجمالی فرستادگان پیامبر این مسئله بهتر قابل درک است. اینک به معرفی علمی چند تن از مبلغان پیامبر می‌پردازیم تا حقیقت امر آشکار شود:

- علی بن ابی‌طالب که میزان علم و آگاهی ایشان بر هیچ کس پوشیده نیست.
- مُصْعَب بن عمیر؛ او کسی است که پیامبر درباره‌اش فرمود: «انظروا الی هذه الرجل قد نورّ الله قلبه...»^۳ و در اخبار دیگری از آگاهی او نسبت به قرآن و علوم دین سخن به میان آمده است چنان که عملکرد او در دعوت مردم مدینه و



۱. کنز العمال، ج ۱۰، ص ۱۷۱.

۲. بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۲۸۶.

۳. صفة الصفوة، ابن جوزی، ج ۱، ص ۳۹۲.

تاثیرگذاری‌اش در پذیرش اسلام مردم آن منطقه، میزان علم و آگاهی او را روشن می‌نماید.

- گروه اعزامی در قضیه بئر معونه: واقدی دربارهٔ این گروه می‌نویسد: «در میان انصار هفتاد مرد جوان بودند که آنها را قاریان قرآن می‌نامیدند، آنها شب‌ها در گوشه‌ای از شهر مدینه جمع می‌شدند، نماز می‌گزاردند و تا صبح بیدار بودند.»^۱

- مُعَاذ بن جبل: پیامبر نامه‌ای برای اهل یمن نوشت و به معاذ داد تا نامه را به آنان برساند، و در آن نامه نوشت: «همانا من از شایستگان خاندانم و نویسندگان و اهل قرآن کسی را سوی شما فرستادم و شما را نسبت به او توصیه به نیکی فرمایم؛ چه او مورد نظر است.»^۲

پیامبر تقریباً مضمون همین مطلب را در پایان نامه‌ای که برای پادشاه حمیر توسط گروهی از یارانش فرستاد بیان نمود: «... صالحی اهلی و اولی دینی و اولی علمهم...»^۳

اکنون باید توجه داشت که امروزه با شدت گرفتن شبهات و پرسش‌های دینی در زمینه‌های مختلف، لزوم علم و آگاهی مبلغان به ابعاد مختلف علوم اسلامی بیش از پیش نمایان گردیده، و شقی و بدبخت کسی است که بدون علم و آگاهی در این مسیر قدم گذارد و به جای ارشاد و هدایت مردم آنها را از دین‌گریزان نماید. در حقیقت وقتی خداوند متعال پیامبرش را این‌گونه خطاب می‌نماید: «و اگر او سخنی دروغ بر ما می‌بست ما او را با قدرت می‌گرفتیم، سپس رگ قلبش را قطع می‌کردیم و هیچ کس از شما نمی‌توانست از او مانع شود»؛^۴ پس باید به خداوند پناه ببریم از اینکه بدون علم و آگاهی، مطلب ناحقی را به دین نسبت دهیم و بدعتی در دین ایجاد نماییم.

۱. مغازی واقدی، ترجمه دکتر محمود مهدوی دامغانی، ج ۱، ص ۲۵۵.

۲. تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، ج ۱، ص ۴۴۸.

۳. تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۲۲.

۴. الحاقه ۴۴.



صبر و استقامت

صبر و استقامت از صفاتی است که در همه کتاب‌های آسمانی و گفتار همه پیامبران و اولیای خدا به آن اشاره شده و بر آن تأکید کرده‌اند. در قرآن کریم نیز توجه زیادی به این مسئله شده و اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برای آن مطرح گردیده است. آنچه در این میان جالب توجه است، خطاب‌های فراوان قرآن نسبت به پیامبر اکرم در زمینه صبر و پایداری است که مکرر بر آن تأکید شده است. وقتی با مشکلات فراوانی که حضرت محمد ﷺ در طول رسالت خویش با آن مواجه گردید آشنا می‌شویم، علت این همه تأکید را در خواهیم یافت. به راستی اگر آن حضرت در مسیر دعوت خود، خویشتن‌داری نمی‌کرد و در برابر آن همه آزار و اذیت به خشم می‌آمد و عکس العمل نشان می‌داد، می‌توانست به اهداف خود در راه ارشاد و هدایت مردم دست یابد؟! اما محمد ﷺ نه آن زمان که در مکه به دفعات مورد تمسخر و اهانت قرار گرفت و نه زمانی که در مدینه با دشمنی‌های فراوانی روبه‌رو گشت، به هیچ وجه دست از مقاومت و پایداری برنداشت و همه این دشواری‌ها را در راه تبلیغ دین به جان خرید و چون کوهی استوار، با صبر و حوصله فراوان به راه خود ادامه داد.

این ویژگی در یاران نزدیک پیامبر نیز که به مناطق مختلف اعزام می‌شدند قابل مشاهده است؛ مثلاً درباره مُصْعَب بن عمیر نقل شده، «هنگامی که اسلام اختیار کرد، پدر و مادرش به وی جفا کردند و او را از خود راندند. این جوان در شعب ابی طالب با پیامبر زندگی می‌کرد، و گرفتار مشقت و سختی گردید و اوضاع و احوالش دگرگون گشت».^۱ در حقیقت کارنامه او نشان می‌داد که توان مقابله با سختی‌ها و مشکلات را دارد. اخنس بن شریف درباره خیب^۲ که پس از اسارت به سختی مورد آزار و شکنجه قرار گرفت می‌گوید: «اگر یاد محمد می‌بایست در حالتی فراموش شود در این حال بود، ولی ما هرگز ندیدیم که پدری نسبت به فرزند خود آن قدر تحمل سختی بکند که اصحاب پیامبر نسبت به او کردند».^۳

۲۰۲

۱۴۱۳
خبر



۱. طبرسی، اعلام الوری، ترجمه عطاردی، ص ۸۲.

۲. خیب از فرستادگان پیامبر در ماجرای رجیع می‌باشد.

۳. مغازی واقدی، ج ۱ ص ۲۶۷.



آری این صبر است که به انسان فرصت تفکر صحیح می‌دهد، و به منزله خلوتی است که به هنگام هجوم افکار پریشان و مصائب و گرفتاری‌ها به انسان فرصت می‌دهد که درست بیندیشد و راه صحیح را انتخاب نماید. این حقیقت به خوبی در سخن پیامبر اشاره شده است: «انسان عاقل به وسیله حلم به این امور دست می‌یابد: موفق شدن به کارهای پسندیده، همنشینی با نیکان، برآمدن از زبونی، رغبت به نیکی، گذشت، مهلت دادن، احسان... و...»^۱

پس مبلغ برای نیل به هدف می‌بایست سختی‌ها و مرارت‌های فراوانی را تحمل نماید. میزان این بردباری در توصیه‌های پیامبر به خوبی قابل درک است، آنجا که به امیرالمؤمنین هنگام اعزام ایشان به یمن فرمود: «زمانی که به قلمرو آنان رسیدی با آنان پیکار نکن تا آنان جنگ با شما را آغاز نمایند، و اگر جنگ را آغاز کردند نیز با آنها جنگ نکن تا فردی از شما را بکشند، و اگر کشتند نیز با آنها جنگ نکن، بلکه منتظر بمان و به آنها بگو...»^۲

در این سفارش، لزوم آمادگی یک مبلغ برای صبر و بردباری کاملاً مشهود است، تا حدی که می‌بایست شاهد کشته شدن یاران خود باشد و در همان حال شکیبایی ورزد.

البته باید توجه نمود که افراط و تفریط در زمینه صبر، نتایج معکوس و خطرناکی در پی خواهد داشت. پیامبر اکرم نیز در برابر آنانی که به اسلام و مسلمانان ضربه می‌زدند عکس العمل تندی نشان می‌داد.

تواضع و عدم برتری جویی

با مروری بر سیره پیامبر اکرم در می‌یابیم که محمد ﷺ در سایه تواضع و فروتنی خویش، توانست محبت مردم را به خود جلب نماید و بدین‌گونه انسان‌های متکبر بسیاری را خدا پرست سازد و در مقابل او به کرنش وا دارد. انسان به‌طور طبیعی از افراد متکبر و مغرور گریزان است، و محمد ﷺ در صورت تکبر و خود پسندی، ناخواسته از جامعه طرد می‌شد، و از سوی مردم مورد توهین و تمسخر قرار می‌گرفت.

^۱. تحف العقول.

^۲. مغازی واقدی، همان، بخش سربیه علی بن ابی طالب به یمن.

اما از همان ابتدا که در پاسخ قریش - که به ایشان پیشنهاد گرفتن پول و مقام را نمود - بانگ برآورد: «اینها نیست که شما خیال می‌کنید، نیامدم که مال و ثروتی از شما بگیرم و نه می‌خواهم شخصیتی در میان شما کسب کنم، نه سلطنت بر شما را می‌جویم...»^۱ معلوم گردید که آن حضرت به هیچ وجه در صدد فخر فروشی و برتری جویی نیست و هدف والاتری را دنبال می‌نماید.

بدین سان می‌بایست تواضع و فروتنی را یکی از اصلی‌ترین شرایط یک مبلغ موفق برشمرد، چنان که پیامبر اکرم در سیره عملی و نظری خویش به خوبی به بیان و اجرای آن همت گماشت، و با توفیقاتی که از این طریق در هدایت و دعوت مردم کسب نمود، نقش معجزه‌آسای تواضع را در تبلیغ دین بر همگان آشکار ساخت.

به همین علت پیامبر به مُعَاذ بن جبل توصیه می‌نماید که در تبلیغ دین، تواضع و فروتنی را سر لوحه کار خویش قرار دهد: «ای مُعَاذ... تو را سفارش می‌کنم به تواضع»^۲ و همچنین عمر بن مره را هنگامی که به سوی قومش گسیل داشت این گونه مورد خطاب قرار داد: «... برتری جو و حسود نباش»^۳.

بی‌تردید رفتار و عملکرد پیامبر ﷺ هنگام اعزام مُعَاذ بن جبل به سوی یمن، یکی از زیباترین و درس آموزترین صحنه‌هایی است که یک مبلغ می‌تواند از آن الگو برداری نماید. آری این محمد ﷺ است که پیاده در پی مرکب مُعَاذ در حرکت است، و در حالی که معاذ بر مرکب خویش سوار است، توصیه‌های خویش را در زمینه تبلیغ دین، به او گوشزد می‌نماید. در واقع محمد ﷺ با رفتار خود از طرفی اهمیت امر تبلیغات را روشن نمود و از سوی دیگر به صورت عملی به مُعَاذ بن جبل فهماند که مبلغ باید از حس برتری جویی و فخر فروشی فاصله بگیرد و زنگارهای خودخواهی را از خود دور نماید.

البته ذکر این نکته لازم است که همان‌گونه که افراط و تفریط در هر کاری مذموم و ناپسند است در این مسئله نیز باید حد تعادل رعایت شود و از مسیر صحیح

۱. سیره ابن هشام، همان، ص ۱۷۹.

۲. تحف العقول، همان.

۳. هیشمی، مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۲۴۵؛ کنز العمال، ج ۳، ص ۵۰۰.



انحراف پدید نیاید، همان‌گونه که این مسئله در سیره پیامبر به خوبی قابل مشاهده است.

عفو و گذشت

یکی از صفات برجسته و پسندیده‌ای که مورد تأکید قرآن و روایات اسلامی بوده و به عنوان سیره عملی انبیاء و بزرگان دین قرار گرفته است، مسئله عفو و گذشت در مقابل خطاها و لغزش‌هاست.

وقتی خداوند متعال با این تعبیر خود را می‌ستاید (عفو، رحیم، غفور، تواب) و بارها انسان‌ها به‌ویژه فرستاده‌اش را به عفو و بخشش فرا می‌خواند «و لِيَعْفُوا وَ لِيَصْفَحُوا اَلَا تُحِبُّونَ اَنْ يَغْفِرَ اللهُ لَكُمْ و اللهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»^۱ «باید عفو کنند و گذشت نمایند مگر دوست ندارید که خدا بر شما ببخشد و خدا آمرزنده مهربان است» به ارزش و جایگاه این عمل پی خواهیم برد.

در سیره پیامبر اکرم ﷺ موارد بسیاری از اوج گذشت و خطا پوشی ایشان مشاهده می‌گردد، تا جایی که انسان از روحیه عظیم این بزرگ مرد الهی در حیرت می‌ماند. به عنوان نمونه می‌توان به رفتار پیامبر در ماجرای فتح مکه اشاره کرد. این سرزمین همان جایی است که مردمانش آن‌قدر محمد ﷺ را تحت ظلم و ستم قرار دادند و عرصه را بر ایشان تنگ نمودند، که آن حضرت شبانه مجبور به ترک زادگاه خویش شد، و به مدینه هجرت نمود. بی‌گمان رسول خدا ﷺ هنوز خاطره جسارت‌ها و تهمت‌های ناروای اهل مکه را از یاد نبرده بود. حتی این دشمنی‌ها تنها به زمان حضور پیامبر در مکه محدود نبود، بلکه پس از هجرت نیز از دشمنی‌های خود دست برنداشتند و به روش ناپسند خویش ادامه دادند.

با این حال، برخورد پیامبر هنگامی که اهل مکه هیچ‌گونه قدرت دفاعی نداشتند و در سیطره سپاه اسلام گرفتار آمدند، نشان داد که او به هیچ وجه اهل انتقام‌گیری نیست و آن‌گاه که گروهی از مسلمانان از این روز، با نام روز انتقام و ذلت قریش یاد می‌نمودند و فریاد می‌کشیدند: «اليوم يوم الملحمة ، اليوم تسبى الحرمة ، اليوم اذل الله قريشاً»، «امروز روز ستیز و انتقام و روز نادیده گرفتن حرمت است روزی

^۱. نور ۲۳.



است که خداوند قریش را خوار گردانید» پیامبر اکرم فریاد برآورد: «الیوم یوم المرحمة، الیوم اعز الله قریشاً»^۱، «امروز روز رحمت است و روزی که خداوند قریش را عزیز گرداند» تا جایی که ایشان برای بخشش مردم دست به دعا برداشت و فرمود: «امروز ملامتی بر شما نیست، خداوند شما را ببخشد که او ارحم الراحمین است»^۲.

این گونه رفتار پیامبر تأثیر بسزایی در اسلام آوردن گروه‌های مختلف داشت و همان گونه که خداوند متعال می‌فرماید: «بدی را با نیکی دفع کن تا دشمنان سرسخت، هم چون دوستان گرم و صمیمی شوند» ما شاهد محبت و عشق مردم مکه نسبت به پیامبر و آیین والای اسلام می‌باشیم.

جایگاه ویژه این مسئله در تبلیغ دین باعث شد تا پیامبر فرستادگان خویش را نیز به این مسئله توجه دهد و آنان را به عفو و گذشت و دوری از انتقام جویی سفارش نماید: «یا معاذ... علیک بالرفق و العفو...»^۳

نتیجه آنکه عفو و گذشت در تبلیغ دین، یکی از ویژگی‌هایی است که برای مبلغ لازم و ضروری است.

البته باید توجه داشت که در این مسئله افراط و تفریط بسیار مخرب است، همان گونه که پیامبر اکرم هنگامی که معاذ را به عفو و بخشش سفارش نمود فرمود: «شیوه مدارا و گذشت را از دست مده، بدون اینکه حقی را فرو گذاری. آنکه می‌گوید از حق خدا گذشتم نادان است»^۴ و یا در قضیه فتح مکه فرمود: در مکه به کسی آزار نرسانند، مگر درباره‌ی شمار اندکی که دستور فرمودند هر جا آنها را مشاهده نمودند بکشند، اگر چه خود را به پرده کعبه بیاویزند.^۵

الف و مهربانی

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۵/۲۱- و الاستیعاب، ابن عبد البر ج ۲/۵۹۷.

۲. الخرائج و الجرایح، قطب الدین راوندی، ج ۲، ص ۸۸۵- بحار ۱۳۲/۲۱.

۳. تحف العقول، همان.

۴. همان.

۵. اعلام الوری، همان، ص ۱۶۱.





نقش معجزه‌آسای نیکی و محبت در جذب و متمایل نمودن قلوب بر کسی پوشیده نیست و بی‌شک سخت‌ترین دل‌ها را می‌توان با مهربانی و محبت به کرنش و تسلیم وادشت. در واقع، اخلاق نیکو را می‌بایست از عوامل بسیار مؤثر در اثر گذاری پیام تبلیغاتی دانست. پیامبر اکرم به زیبایی به پیامدهای این صفت اشاره نموده می‌فرماید: «دل‌ها به فطرت دوست داشتن کسی که به ایشان نیکی کند و دشمن داشتن کسی که به ایشان بدی کند آفریده شده‌اند.»^۱

بی‌گمان رسول مکرم اسلام مهربان‌ترین شخصیتی است که تاریخ بشریت به خود دیده است و هر انسان با انصاف و بی‌تعصبی تحت تأثیر این همه مهر و عطف قرار می‌گیرد و عملکرد ایشان را تحسین می‌کند. وقتی انسان درخواست محمد ﷺ از خداوند برای بخشش و هدایت قومی که هیچ‌گاه از آزار و اذیت او دست برداشتند مشاهده می‌نماید، ناخود آگاه در مقابل این شخصیت بزرگ سر تعظیم فرود می‌آورد و یقیناً تاریخ بشر به وجود چنین انسان‌هایی به خود می‌بالد.

در واقع می‌توان چنین عنوان نمود که اسلام دین محبت و مهربانی است و پیامبر الگو و نمونه‌ای است که سفارش‌های اکید دین در این زمینه در شخصیت ایشان تجلی یافت.

آیات و روایات در این زمینه تا حدی است که تمام ابعاد فردی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، نظامی و... را در بر گرفته و در همه این موارد بر اهتمام به محبت و مهربانی تأکید شده است. ما در این نوشتار کوتاه به هیچ وجه توان بررسی کامل آن را نخواهیم داشت و تنها مقصود ما بیان نقش بی‌بدیل این مسئله در اثر گذاری پیام تبلیغی است، که یک مبلغ باید بدان توجه نماید؛ تا جایی که در اخبار آمده است پیامبر اکرم هر گاه دسته‌ای را به مکانی گسیل می‌داشت می‌فرمود: «با مردم الفت بگیرید»^۲ و یا به عمرو بن مُرّه سفارش نمود: «... درشت خو و خشن مباش»^۳

۱. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۷۳.

۲. کنز العمال، ج ۴، ص ۴۶.

۳. هیشمی، مجمع الزوائد، ج ۸، ص ۲۴۵؛ کنز العمال، ج ۳، ص ۵۰۰.

و در جای دیگر می‌فرماید: «کسی که به معروف فرا می‌خواند باید امرش همراه بانیکی باشد».^۱

خیرخواهی

یکی از آموزه‌های ارزشمند دین اسلام تأکید بر نصح و خیرخواهی است، تا آنجا که پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «دین، نصیحت و خیرخواهی است.»
اصحاب می‌گویند: عرض کردیم نصیحت و خیرخواهی برای چه کسی؟ فرمود: «برای خدا، برای کتاب او، برای پیامبر او، برای پیشوایان مسلمانان و برای توده آنها».^۲

هر چند تمامی انسان‌ها باید خیرخواه هم باشند و خیر و مصلحت یکدیگر را دنبال نمایند، اما این صفت برای مبلغ دین بایسته‌تر می‌نماید.

یکی از ویژگی‌های رسول اکرم که نه تنها دوستان بلکه دشمنان با انصاف نیز به آن معترف‌اند همین خیرخواهی آن حضرت است: «ابلاغکم رسالات ربی و انا لکم ناصح امین».^۳ «پیام‌های پروردگارم را به شما می‌رسانم و برای شما خیرخواهی امینم» این مسئله آن قدر مورد توجه ایشان بود که نقل شده روش پیامبر بر این بود که چون نماز صبح می‌گزارد مدت کمی هم چنان در جای خود می‌نشست...
گروهی را پیش گروه دیگر روانه می‌کرد و به ایشان می‌فرمود: برای رضای خدا نسبت به بندگان خدا خیرخواهی کنید؛ هر کس عهده‌دار کاری از امور مردم گردد و برای ایشان خیرخواهی نکند، خداوند بهشت را بر او حرام می‌سازد.^۴

شجاعت

تصور نمایید آن‌گاه که حضرت محمد ﷺ به رسالت برگزیده شد و می‌بایست یکه و تنها در میان سیل خروشان انسان‌های جاهل و گمراه پیام دین را به گوش همگان برساند و با عقاید و اصول باطل آنان به مبارزه برخیزد، اگر ترس و هراس وجود او

۱. کنز العمال، ج ۳، ص ۶۶.

۲. ری شهری، میزان الحکمة، ترجمه حمید رضا شیخی، ص ۶۲۹۵.

۳. اعراف/۶۸.

۴. طبقات ابن سعد، همان، ۲۶۳.





را فرا می‌گرفت، آیا در این صورت می‌توانست بار سنگین رسالت را بر دوش کشد و نفوس خفته و غافل آنها را از اسارت جهل و گمراهی آزاد نماید؟.

بدون شک در این شرایط آن حضرت نمی‌توانست هیچ توفیقی به دست آورد، و هیچ‌گاه قدرت رویارویی با این دشواری‌ها را نداشت؛ اما مشاهده می‌نماییم که محمد ﷺ هم چون کوهی استوار و سدی محکم، در مقابل همه ناملایمات و سختی‌ها ایستادگی نمود و پنجه در پنجه طاغوت‌های زمان خویش انداخت و پیامدهای ناگوار را به جان خرید.

بنابراین شجاعت و پایداری برای مبلغ دین امری روشن و آشکار است؛ چنان‌که پیامبر در توصیه خویش به مُعَاذِ بْنِ جَبَل این مسئله را یادآور می‌شود: «فرمان خدا را در میان آنها اجرا کن و در کار خدا و مال خدا، از هیچ کس بیم مدار، که نه ولایت از آن توست و نه مال...»^۱

عدالت

یکی از ویژگی‌های آشکار دین اسلام که در آیات و روایات اسلامی توجه زیادی به آن شده است مسئله عدالت و برابری است. این مسئله یکی از عوامل جذب دل میلیون‌ها انسان به سوی اسلام شده است. امروزه نیز که قدرت‌های زورگو و پرمدعا انسان‌ها را برده خویش می‌پندارند و نابرابری‌ها و تبعیضات نژادی و اقتصادی و... در جامعه جهانی بیداد می‌نماید، شاهد گرایش مردم جهان به دین اسلام هستیم و پیروان این دین روز به روز فزونی می‌یابد.

توینبی از مورخان مشهور معاصر در این باره می‌نویسد: «در جهانی که در آن، در نتیجه پیشرفت تکنولوژی غرب، فواصل از میان رفته است، در جهانی که... به نظرمی‌رسد برادری و برابری بشر در اسلام و ایدئولوژی اسلامی بهتر می‌تواند احتیاجات مختلف و متعدد بشریت را تأمین نماید، تا سنت غربی مربوط به استقلال سیاسی چند ملت جدای از یکدیگر و چند کشور مختلف».^۲

^۱. تحف العقول، همان.

^۲. ابوالفضل عزتی، دیباچه‌ای بر تاریخ فلسفه نشر اسلام، ص ۵۷۵ و ۵۷۶.

دکتر تیتوس نیز می‌نویسد: «اصل برابری در نماز جماعت کاملاً محسوس است، فقیر، ثروتمند، رفتگر و امیر و شاهزاده همه در کنار یکدیگر در یک ردیف و به طور مساوی، خدای واحد را می‌پرستند».^۱

شنیدن سخن و.م. وات در این زمینه جالب توجه است. او معتقد است: «در این جهان واحد که در آن تمام نژادها عملاً و جسماً به یکدیگر نزدیک شده‌اند، کمبود برادری، برابری و وحدت عمیقاً احساس می‌شود. شاید بررسی موفقیت‌های اسلام بتواند راه و چاره‌ای را برای برقراری وحدت جامعه بشری و یگانگی جهانی در اختیار ما قرار دهد و چگونگی وصول به این هدف را برای ما روشن نماید و حتی ممکن است بتواند ما را در تأمین این آرزو کمک نماید».^۲

آری بی‌گمان اسلام گمشده انسان‌ها و سیراب‌کننده نفوس تشنه آنهاست، و بر مبلغان اسلام است که ویژگی عدالت خواهی اسلام را با اعمال و گفتارشان به خوبی در جامعه جهانی تبیین کنند و اسلام را آن‌گونه که هست، به مردم جهان معرفی نمایند.

در واقع ما هیچ‌گاه نباید سفارش حضرت محمد ﷺ به مُعَاذِ بْنِ جَبَل را فراموش نماییم، آنجا که فرمود: «ای معاذ... هر کس را، از نیک و بد، در محل مناسبش قرار ده»^۳ و گرنه همان‌گونه که ایشان به وائل بن حجر قیل حَضْرَمُوت نوشت: «... تو در مقام دینداری به کس ستم نکنی، و گرنه پیامبر و مؤمنان یاوران مظلومان‌اند»^۴ ما از کسانی خواهیم بود که از سنت و شیوه پیامبر اکرم فاصله گرفته، و در برابر ایشان قرار خواهیم گرفت.

موضع‌گیری پیامبر درباره خالد بن ولید هنگامی که ظلم و بیدادگری وی را نسبت به قبیله بنی جذیمه شنید بسیار قابل توجه است. پیامبر اکرم در این زمینه بی‌آنکه طریق نصیحت پنهانی را پیش گرفته، عمل خالد را در خلوت نکوهش کند دست‌های خود را بلند کرده، در میان حاضران فریاد برآورد: «اللهم انی ابرأ الیک مما

۱. همان، ص ۴۴۹.

۲. همان، ص ۵۷۵.

۳. تحف العقول، همان.

۴. تاریخ طبری، ابن خلدون، همان ص ۴۶۱.





صنع خالد بن ولید» و سپس علی علیه السلام را برای جبران کار خالد، به سوی بنی جذیمه فرستاد و جالب این جاست که وقتی خبر عملکرد خوب علی بن ابی طالب به ایشان رسید بار دیگر رو به قبله ایستاده دست‌ها را بلند نمود و سه مرتبه در میان یاراناش فریاد برآورد: (اللهم انی ابرأ مما صنع خالد بن ولید)^۱ و بدین گونه زشتی و ناپسندی ظلم و بیدادگری را به‌ویژه در زمینه تبلیغ دین تبیین نمود.

بخش دوم: مخاطب

مخاطب شناسی یکی از ارکان مهم تبلیغ به شمار می‌رود و رعایت نکردن مقتضای حال مخاطبان از ثمربخشی و بازدهی تبلیغ کاسته، گاه نتیجه معکوس در برخواهد داشت؛ چرا که مخاطبان انواع و اقسام گوناگون، و ظرفیت‌های متفاوتی دارند و پیچیدن نسخه واحد برای تمامی آنها امری نادرست و نسنجیده خواهد بود. در واقع پر محتواترین و ارزشمندترین پیام‌ها، بدون رعایت این مسئله اثرگذار نخواهد بود. پس به خوبی روشن است که تنها احراز ویژگی‌های بیان شده، برای یک مبلغ کافی نمی‌باشد و لحاظ نمودن وضعیت مخاطبان امری ضرور و لازم است.

بی‌تردید یکی از علل موفقیت پیامبر در تبلیغ و شناساندن محتوای پیام دین، رعایت همین مسئله است که مکرر در سیره ایشان به چشم می‌خورد. اینک سفارش‌های آن حضرت را در این زمینه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

رعایت ظرفیت عقلی مخاطبان

رعایت ظرفیت عقلی مخاطبان یکی از بزرگ‌ترین مسائلی است که باید در تبلیغ مورد توجه قرار بگیرد و کمترین زیان بی‌مبالاتی و کم توجهی به این مسئله، ناکامی در نیل به اهداف است.

بدین جهت در سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله مشاهده می‌نماییم که ایشان هرگز با عمق و گستردگی عقل و فهم خویش با افراد سخن نمی‌گفت و می‌فرمود: «انا معاشر الأنبیاء امرنا ان نكلّم الناس علی قدر عقولهم»^۲

۱. تاریخ طبری، ج ۳، ص ۶۷-۶۸.

۲. شیخ صدوق، امالی.

به راستی چه بسیار مبلغانی بوده‌اند که به رغم دارا بودن بسیاری از امتیازات، به سبب غفلت و بی‌توجهی به این مسئله نه تنها از رسیدن به هدف بازمانده‌اند، بلکه گاه باعث گمراهی و فساد مخاطبان خویش گردیده‌اند.

در سخنان پیامبر اکرم بارها به زیان‌ها و پیامدهای این مسئله اشاره شده است. وقتی به گفتار پیامبر به سلمان فارسی توجه نمایم حقیقت این امر آشکار می‌شود، آنجا که می‌فرماید: «یا سلمان لو عرض علمک علی المقداد لکفر»^۱. «ای سلمان اگر تو بر مقداد عرضه می‌شدی کافر می‌گشت» یا در جای دیگر می‌فرماید: «انّ عیسی بن مریم قام فی بنی اسرائیل فقال: یا بنی اسرائیل لا تحدّثوا بالحکمة الجهّال فتظلموها و لا تمنعوها اهلها فتظلموهم»^۲. «عیسی بن مریم در میان قوم بنی اسرائیل ایستاد و فرمود «ای بنی اسرائیل حکمت را به جاهلان نیاموزید که قسم است بر ایشان و منع نمودن حکمت از اهلش نیز ظلمی است در حق آنان».

البته همان‌گونه که در این روایت نیز اشاره شد، محروم کردن انسان‌هایی که از ظرفیت بالاتری در زمینه فهم و درک مسائل دینی برخوردارند هم نوعی کوتاهی و ظلم به آنان محسوب می‌گردد.

اینک با سخن ارزشمندی از امام صادق علیه السلام این بخش را به پایان می‌بریم: «... لا تحملنّ علیه ما لایطیق فتکسره، فانّ من کسر مؤمناً فعلیه جبره»؛^۳ بر کسی که توان و استعداد ندارد مطالب دشوار و سنگین را تحمیل مکن؛ زیرا اگر برای چنین کسی مطالب سخت و سنگین را بیان کردی او را می‌شکنی و هر کس مؤمنی را [با ضربه سنگین تبلیغاتی خود] بشکند بر او واجب است شکستی را که وارد آورده جبران نماید.



۱. شیخ مفید، الاختصاص، ص ۱۱.

۲. بحار الانوار، ج ۲، ص ۶۶.

۳. بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۱۶۵.

رعایت توان جسمی و روحی مخاطبان

در این باره داستان شخصی که همسایه مسیحی خود را مسلمان نمود و پس از سخت‌گیری‌های فراوان، باعث خستگی و دل‌زدگی و در نتیجه ترک اسلام او شد، یاد کردنی است.^۱

در حقیقت تمامی انسان‌ها از ظرفیت و کشش محدودی برخوردارند و خواستن و مطالبه کردن کاری بیش از توانایی آنها نامعقول و ناپسند است. در قرآن کریم نیز به این مسئله توجه شده است و در بخشی از آن می‌خوانیم: «لا یكلف الله نفساً الا وسعها».^۲

آری بی‌دلیل نیست که پیامبر اکرم ﷺ به علی علیه السلام می‌فرماید: «ای علی! همانا این دین متین و محکم است، در او با نرمی وارد شو و عبادت پروردگارت را مبعوض خود مگردان؛ زیرا خسته کننده مرکوب نه مرکوب، باقی گذاشت و نه راه پیمود...»^۳ یا عثمان بن سعید می‌گوید: هنگامی که رسول خدا خواست مرا به سوی قبیله ثقیف بفرستد آخرین وصیتش به من این بود: «نماز را زود بخوان و آن را خفیف و سریع انجام ده، و مراعات حال ناتوان‌ترین افراد را بکن؛ زیرا در میان ایشان پیر مرد و خردسال و ناتوان و اشخاصی که کار و گرفتاری دارند وجود دارد».^۴

همچنین ایشان بارها مبلغان دین را به آسان‌گیری و تحمل نکردن رنج و مشقت توصیه می‌نماید.

اهمیت این مسئله تا جایی است که پیامبر اکرم ﷺ در علت برانگیخته شدن خویش به نبوت می‌فرماید: «خداوند مرا برای رنج دادن دیگران یا رنج دهنده به خود برنینگیخت، بلکه مرا به عنوان آموزنده و آسان‌گیرنده مبعوث کرد».

اینک برای نمونه به سیره پیامبر در زمینه ظرفیت شنیدار اشاره‌ای کوتاه می‌نمایم.

۱. مصطفی دلشاد تهرانی، رهنان دین، ص ۱۸۲- به نقل از کافی ج ۲، ص ۴۲-۴۳.

۲. بقرة ۲۸۶.

۳. کلینی، اصول کافی، ترجمه کوه کمره‌ای، ج ۶۶، ص ۱۳۸.

۴. سیره ابن هشام، همان، ج ۲، ص ۳۴۶.



ظرفیت شنیداری مخاطبان

ظاهراً اولین مرحله‌ای که پیامبر اکرم مورد توجه قرار می‌داده‌اند، به دست آوردن فرصت مناسب برای ایراد سخن و موعظه بوده است. ایشان فرماید:

«أَنْتِي لَا تَخُولُكُمْ بِالْمَوْعِظَةِ تَخُولُوا مَخَافَةَ السَّامَةِ عَلَيْكُمْ»؛^۱ من از بیم خسته شدن شما برای موعظه به دنبال فرصت می‌گردم.

در سخنی از ابن عباس به خوبی سیره پیامبر در این زمینه آشکار می‌شود. او می‌گوید:

«برای مردم در هر جمعه تنها یک بار سخن بگو، و اگر اصرار داری دو بار باشد. و اگر بیشتر می‌خواهی [فقط] سه بار باشد؛ و با این قرآن ملامت مردم را فراهم مکن. مبدا نزد گروهی بروی و در حالی که در حال گفت‌وگویند سخن آنان را ببری و با سخن گفتنت باعث خستگی آنان بشوی، بلکه خاموش بمان و هر گاه از تو خواستند برایشان سخن بگو که در این صورت، بدان مشتاق خواهند بود. من با پیامبر خدا و یاران وی هم روزگار بودم و ندیدم جز آنکه چنین رفتار می‌کردند».^۲

هنگامی هم که آن حضرت زمان را برای ایراد سخن مناسب می‌دید، می‌کوشیدند تا با کوتاهی و ایجاز سخن، موجبات خستگی و دل زدگی مخاطبان را فراهم نسازد، تا جایی که در بعضی از اخبار آمده است خطبه‌های پیامبر از کوتاه‌ترین خطابه‌هایی بود که ایراد می‌گردید. اینک به اخباری در این زمینه توجه فرمایید.

– «ان رسول الله اذا بعث اميراً قال: اقصر الخطبة و اقل الكلام».^۳

– رسول خدا ﷺ می‌فرمود: موسی خضر را ملاقات کرد و به او گفت مرا اندرز ده! خضر گفت: ای خواهان علم، خستگی گوینده از شنونده کمتر است. پس هنگام سخن گفتن هم‌نشینان را خسته مکن.^۴

۱. بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۲۰.

۲. صحیح بخاری، ج ۷، ص ۱۵۳؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۶، ص ۲۱۷.

۳. طبرانی، معجم الکبیر، ج ۸، ص ۱۴۴.

۴. بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۶۶.





بی تردید یکی از زیباترین و درس آموزترین اخبار در این زمینه خبری است که قیس بن ابی هازم از پدرش نقل می‌نماید، او می‌گوید: پیامبر در حالی که سخنرانی می‌کرد مرا دید که میان آفتابم، فرمان داد تا جایم را به سایبان تغییر دادم.^۱ اکنون این بخش را با سخن پر مغز و ارزشمندی از امیرالمومنین که حقیقتاً شیرینی و حلاوت آن بر قلب شنونده خواهد نشست به پایان می‌بریم.

«الکلام کالدواء، قلیله ینفع و کثیره قاتل»؛ گفتار مثل داروست که اندک آن سود می‌بخشد و زیادی آن کشنده است.

بخش سوم: پیام دین

پیام نجات بخش و جاویدان اسلام به دلیل فطری و جهان‌شمول بودن، تا به امروز مورد توجه بشری واقع شده و به رغم بمباران یک‌سویه تبلیغاتی دشمنان، آوازه اسلام خواهی در سراسر گیتی طنین انداخته است. بی‌گمان تشنگان معرفت و جست‌وجوگران حقیقت در مواجهه با پیام والای اسلام سر تعظیم فرود آورده، و مجذوب آن خواهند شد؛ زیرا در خواهند یافت که پیام اسلام انسان را از ظلمت و جهل می‌رهاند و از تنگنای طبیعت به وادی بی‌انتهای معنویت رهنمون می‌سازد.

۲۱۵

دیسون فرانسوی در این باره می‌نویسد: «... تعالیم اسلام بسیار شریف و عالی است و اخلاق آن بسیار پسندیده است. در اسلام عقاید و آراییی وجود دارد که می‌باید فلاسفه و جامعه شناسان از آن قدردانی نموده، و در برابر آن تعظیم کنند».^۲

همچنین توماس کارلایل مسیحی می‌نویسد: «... رسالت و پیامی که او ادا کرد جز حق محض، و سخنان او جز ندای راست و پیام حقی که از دنیای نادیده و ناشناخته بر آمده، چیز دیگری نبود».^۳

نظریه مورخ مشهور آقای گیون در مورد پویایی و قدرت حیات اسلام مورد توجه است. وی معتقد است: «این تبلیغ اسلام نیست، بلکه پویایی اسلام است که شایسته تحسین ماست، همان نفوذ پاک و اصول ساده، قابل قبول، بی‌آلایش و کاملی را که

۱. مسند احمد بن حنبل، ج ۴، ص ۲۶۲.

۲. آل اسحاق خوینی، اسلام از دیدگاه دانشمندان غرب، ص ۵۷۳.

۳. همان، ص ۱۷۰.

محمد از خود در مکه و مدینه بر جای گذاشت، هنوز پس از گذشت دوازده قرن (تا زمان گیبون) به وسیله مسلمانان هندی، آفریقایی، ترک و غیره... حفظ شده است...»^۱.

آری به جرئت می‌توان گفت که اولین رکن موفقیت تبلیغ، وجود ویژگی‌های برتر در خود پیام است و اگر ماهیت و محتوای پیام از این ویژگی‌ها برخوردار نباشد، تبلیغ یک تلاش کور و بی‌حاصل خواهد بود. بدین سبب که نقش بسزای پیام ارزشمند اسلام در جذب بشریت انکار ناپذیر است و از زمان نبی مکرم اسلام تا به امروز شاهد این تأثیر گذاری می‌باشیم. اینک به نمونه‌هایی در این زمینه اشاره می‌نماییم:

* نقل شده عِکْرِمَه پس از فتح مکه گفت: ما را به چه دعوت می‌کنید. حضرت پیام دین را برای او بیان نمود. عِکْرِمَه گفت: «ما دعوتَ الی الحقِّ و الی حسن جمیل». ^۲ «دعوت نمی‌کنی مگر به سوی حق و به سوی نیکویی‌ها و زیبایی‌ها»

* در ماجرای هجرت به حبشه وقتی جعفر بن ابی طالب با نجاشی گفت‌وگو کرد و آیه‌ای خواند، نجاشی گریه کرد و گفت: «به خدا سوگند این دین حق است».^۳

* یکی از مورخان معاصر درباره تأثیر گذاری پیام دین در گرایش به اسلام سخن ارزنده‌ای دارد. وی به قضیه دعوت پیامبر در عقبه اول اشاره نموده، می‌نویسد: «پیامبر هیچ قدرتی جز قدرت نفوذ پیام، برای ستاندن این بیعت نداشت. یثربیان نیز هیچ دلیلی برای تن دادن به اصول بیعت نداشتند و هیچ افق روشنی از افق‌های دنیایی در پیش روی خود نمی‌دیدند تا مصلحت گرایانه به محمد بگروند. یگانه دلیل تمکین ایشان رهیافت سریع به حقیقت و عقل و روح مستعد و آزادشان بود»^۴. این تأثیر گذاری پیام ارزشمند اسلام بود که پیامبر اکرم مُعَاذ را این‌گونه مورد خطاب قرار می‌دهد: «کوچک و بزرگ مسائل اسلام را آشکار کن»،^۵ یا با ذکر

۱. عزتی، دیباچه‌ای بر تاریخ فلسفه نشر اسلام، ص ۵۷۹.

۲. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۸، ص ۱۰.

۳. اعلام الوری، همان، ص ۶۳.

۴. زرگری نژاد، تاریخ صدر اسلام، ص ۳۰۵.

۵. تحف العقول، همان.



جزئیات احکامی مانند وضو، نماز، حج و خمس برای عمرو بن حزم او را به انجام این امور سفارش می‌نماید.^۱

در واقع، سفارش پیامبر اکرم به مبلغان در زمینه پیام دین، تنها بیان و اجرای صحیح احکام و دستورات ارزشمند و گرانبهای اسلام بوده که یقیناً سعادت جامعه بشری را در پی خواهد داشت.

بخش چهارم: شیوه‌های تبلیغ دین

یکی از آموزه‌های رسول اکرم ﷺ چگونگی دعوت به حق و رساندن پیام دین به مردم است، زیرا مطمئناً بیش از آنکه کمیت تبلیغات مورد نظر باشد کیفیت آن قابل توجه است.

بی‌شک نتایج مطلوبی که تا به امروز مبلغان دین در زمینه هدایت و ارشاد به دست آورده‌اند مرهون کاربرد و روش‌های صحیح تبلیغ بوده و کسب این موفقیت‌ها تا اندازه زیادی وامدار روش‌ها و شیوه‌های سنجیده است. به دیگر سخن، تبلیغ یک هنر بزرگ است و مبلغ می‌بایست یک هنرمند بزرگ باشد تا بتواند جامعه بشری را از دام‌های جهالت برهاند و آنان را به سر منزل مقصود برساند.

در قرآن و رهنمودهای بزرگان دین توجه زیادی به این مسئله شده است، تا جایی که می‌توان گفت یکی از عوامل درخشان بودن کارنامه تبلیغی پیامبر اتخاذ روش‌های مناسب تبلیغی بوده است و ما به‌طور مکرر شاهد توجه به این مسئله در سیره عملی و نظری آن حضرت می‌باشیم.

دعوت به بهره‌گیری از شیوه‌های مناسب تبلیغ نیز یکی از سفارش‌هایی است که پیامبر اکرم ﷺ بدان همت می‌گماشت. اینک به بررسی مواردی از روش‌های تبلیغ دین که در سفارش‌های آن حضرت بدان اشاره شده است می‌پردازیم.

تبلیغ عملی

زندگی و رفتار مبلغ زیر ذره بین نگاه‌ها قرار دارد و باید اذعان کرد بخشی از ناهنجاری‌ها و رواج رفتارهای ناپسند در افراد مسلمان و بین قشرهای مختلف جامعه در عمل نکردن مبلغان دین به گفته‌هایشان است.

^۱ تاریخ ابن خلدون، همان.



با بررسی زندگانی و سیره پیامبر اکرم در می‌یابیم که آن حضرت در عمل به احکام و دستورات دین و آنچه بدان سفارش می‌نمود، همیشه مقدم و پیشتاز بود. بی‌تردید آنچه بیش از سخنان حضرت محمد ﷺ عقل و روح مردم را دگرگون نمود، مشاهده عمق باور خود او به همه این ارزش‌ها بود. او با رفتار و کردار خود در جامعه‌ای که فقر اخلاقی و بی‌بند و باری موج می‌زد قلب‌ها را تسخیر می‌کرد و زمینه‌های جذب و متمایل نمودن قلوب به سوی دین و ارزش‌های والای آن را فراهم می‌ساخت.

محمد ﷺ همان گونه که خداوند متعال در قرآن کریم از دعوت و ارشاد بدون عمل نهی فرموده است (لم تقولون ما لا تفعلون)^۱، خود اهل عمل بود، و مبلغان دین را نیز به عمل نمودن به سخنانشان دعوت می‌نمود.

آن حضرت بارها به عدم تأثیرگذاری دعوت مبلغ بی‌عمل اشاره می‌کرد و در وصیت ارزشمند و پر مغز خود به ابوذر می‌فرماید:

«یا اباذر مثل الذی یدعو بغیر عمل کمثل الذی یرمی بغیر وتر»^۲

ای ابوذر قصه کسی که مردم را به دین دعوت می‌کند اما خود اهل عمل نیست، مانند کسی است که تیراندازی می‌کند بدون اینکه کمانی داشته باشد

حضرت در جای دیگر خطرات این‌گونه مبلغ‌ها را گوشزد نموده، می‌فرماید: «من از مؤمن یا مشرک بر اتم نمی‌ترسم... اما بر شما از کسی بیم دارم که منافق دل و زبان آوراست. آنچه را معروف می‌داند می‌گوید، اما بدانچه منکر می‌شمارد عمل می‌کند».^۳

بر این اساس پیامبر اکرم در سفارش‌های خود بیش از همه چیز، مبلغان را به تقوا و عمل صالح دعوت می‌کرد و از انحرافات و فاصله گرفتن از دستورات دین بر حذر می‌داشت، تا جایی که مُعَاذ بن جَبَل را این‌گونه مورد خطاب قرار می‌دهد: «... کنار هر سنگ و درخت به یاد پروردگارت باش برای هر گناهی توبه‌ای کن؛ از گناه نهان مخفیانه و از گناه عیان آشکار».^۴

۱. صف/۲.

۲. طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۶۵.

۳. هیشمی، مجمع الزوائد، ج ۱، ص ۱۸۷.

۴. تحف العقول، همان.





اهمیت این ویژگی برای مبلغ آن قدر روشن و آشکار است که ما را از به درازا کشاندن بحث بی نیاز می سازد و تنها با ذکر یکی از عواقب ناگواری که دامن این گونه مبلغان را خواهد گرفت و سرانجام تلخ و عبرت آموزی برای آنان رقم خواهد زد این بخش را به پایان می بریم.

پیامبر اکرم ﷺ می فرماید: در شب معراج به مردمی بر خوردم که لب های آنان را با قیچی هایی از آتش می بریدند و هر چه بریده می شد جایش پرمی شد! گفتم: ای جبرئیل، اینها چه کسانی هستند؟ گفت: سخنوران امت تواند که بدانچه می گویند عمل نمی کنند و کتاب خدا را می خوانند، اما آن را به کار نمی بندند.^۱

روش تدریجی

پیامبر اکرم ﷺ در جامعه ای به رسالت مبعوث گردید که آداب و رسوم جاهلیت در آن ریشه داشت و خرافات و اعمال ناشایست به ارزش های آنان تبدیل شده بود. آیا در این شرایط امکان داشت که مردم با سرعت و عجله، تمامی احکام و دستورات دین را فرا گیرند و به انجام آن همت گمارند.

یقیناً پاسخ منفی است؛ چرا که جدا کردن عادات زشت و ناپسند و جایگزین نمودن ارزش های والا و پسندیده از ضمیر و روان انسان ها به صورت دفعی و با شتاب امکان پذیر نیست و این مسئله به مرور زمان صورت می گیرد. امام صادق علیه السلام با سخن گهر بار خویش به خوبی به این مسئله اشاره نموده آنجا که می فرماید: «ازالة الجبال اهون من ازالة قلب عن موضعه».^۲

روند شکل گیری تدریجی احکام و دستورات دین مؤید این ادعاست، تا جایی که ما شاهدیم بیشتر احکام اسلامی در مدینه و آن هم در آخرین سال های حیات پیامبر و نزول قرآن تبیین گردید، و یا درباره احکامی مانند شرب خمر شاهد تحریم مرحله به مرحله آن می باشیم.

سفارش پیامبر به علی بن ابی طالب علیه السلام هنگامی که ایشان را به یمن فرستاد یکی از بهترین مواردی است که در زمینه دعوت تدریجی از سخنان پیامبر مورد استفاده قرار می گیرد، آنجا که می فرماید:

۱. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۶، ص ۱۹۷.

۲. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۴۰.

زمانی که به قلمرو آنان رسیدی با آنان پیکار نکن تا آنها جنگ را با شما آغاز نمایند، و اگر جنگ را آغاز کردند نیز با آنها جنگ نکن تا فردی از شما را بکشند، و اگر کشتند نیز با آنها جنگ نکن، بلکه منتظر بمان و به آنها بگو که آیا می‌شود لا اله الا الله بگویید! پس اگر قبول کردند، بگو: آیا می‌شود نماز بخوانید! و اگر قبول کردند بگو: آیا می‌توانید از اموالتان صدقه‌ای به فقرای خود بدهید! و اگر قبول کردند بیش از این از آنان منخواه (فلا تبغ منهم غیر ذلک).^۱

بدینسان پیامبر از علی بن ابی طالب می‌خواهد که در صورت پذیرش موارد یاد شده، چیز دیگری از آنها طلب نکند تا ایشان به تدریج با دیگر احکام آشنا شوند. یکی دیگر از سفارش‌های پیامبر در این زمینه به مُعَاذ بن جبل است که به گام به گام پیش رفتن و تدریج دعوت، اشاره شده است، آنجاکه فرمود: ای مُعَاذ... تو نزد گروهی از اهل کتاب می‌روی از این رو می‌باید نخستین دعوت تو از آنان یکتا پرستی خداوند متعال باشد. اگر توحید را شناختند به آنان بازگو که خداوند در شبانه‌روز پنج نماز بر آنان واجب کرده است، و هرگاه نماز را به جا داشتند به آنان بگو که خداوند در اموالشان زکات قرار داده تا از بی‌نیازشان ستانده و به تهی دستشان داده شود، پس هر گاه بدان اذعان کردند از آنان زکات بگیر و از گزیده اموال مردم اجتناب کن.^۲

پس مبلغ باید به تدریج و با حوصله به تبلیغ دین همت گماشته، وازشتاب و عجله پرهیز نماید.

روش آسان‌گیری و مدارا

طفیل بن عمر همان کسی است که به سفارش قریش پنبه در گوش نهاد تا سخنان پیامبر را نشنود، اما پس از شنیدن پیام دین توسط آن حضرت مجذوب و شیفته اسلام گردید و مسلمان شد. سپس از پیامبر خواست تا برای تبلیغ دین به میان قبیله خویش باز گردد و با موافقت پیامبر رهسپار قبیله خود گردید. تلاش‌های فراوان او در تبلیغ دین ثمره‌ای جز اسلام آوردن پدر و همسرش نداشت. از این رو نزد پیامبر آمد، تا ایشان برای هدایت مردم قبیله‌اش دعا نمایند.

^۱. مغازی واقدی.

^۲. صحیح بخاری، ج ۸، ص ۱۶۴.





پیامبر پس از دعا نمودن در حق قبیله طفیل، تنها در یک جمله فرمود: «به سوی ایشان برگرد و آنها را بدین اسلام دعوت کن، ولی به رفق و مدارا با ایشان رفتار نما».^۱

آری پیامبر مدارا را همچون مرهم و کلیدی می دانست که قفل قلوب را می گشاید و زمینه پذیرش دعوت حق را فراهم می نماید.

پیامبر اکرم ﷺ مدارا با مردم را به گونه ای ترسیم می نماید که گویی موازی و هم سنگ با انجام فرایض است: «انا امرنا معاشر الانبیاء بمداراة الناس کما امرنا بآداء الفرائض».^۲ «همانا ما انبیا امر شده ایم به مدارای با مردم، همان گونه که به آداء فرائض امر شده ایم».

بر این اساس همواره یکی از سفارش های پیامبر به مبلغان دین، مدارا و آسان گیری بوده است؛ مثلاً به معاذ بن جبل می فرماید: «شیوه مدارا و گذشت را از دست مده بدون اینکه حقی را فرو گذاری...»^۳ و یا عمرو بن حزم انصاری را این گونه مورد خطاب قرار می دهد: «در کار حق با مردم مدارا کن و در کار ظلم با آنها خشونت...»^۴

رفق و مدارا از اصولی است که بر تمامی روابط انسانی سایه می اندازد و این زیر بنای مهم اخلاقی برای تمامی انسان ها، به ویژه مبلغان دینی امری لازم و بایسته است.

اینک با سخن ارزشمندی از علی بن ابی طالب، این بخش را به پایان می بریم:
«الطیش لایقوم به حجج الله»^۵؛

با فشار، حجت های الهی را نمی شود اقامه کرد.

۱. سیره ابن هشام، همان، ج ۱، ص ۲۴۴.

۲. اصول کافی، همان، ج ۳، ص ۱۶۷.

۳. تحف العقول، همان.

۴. تاریخ ابن خلدون، همان.

۵. حسن بن سلیمان حلی، المحتضر؛ بحار الانوار، ج ۵۴، ص ۲۳۱.

شیوه حکمت

دین اسلام برای تمامی ابعاد زندگانی انسان‌ها با دقت و به بهترین وجه برنامه ریزی کرده و پیروی از دستورات آن سعادت بشر را در پی خواهد داشت. اگر مردم- همان گونه که حضرت رضا علیه السلام می‌فرماید- محاسن و ارزش‌های والای دین اسلام را می‌دانستند همگی از صمیم دل و با تمام وجود به این آیین می‌گرویدند.

در آیین اسلام تمامی احکام و دستورات دینی تنها برای سعادت و به آرامش رسیدن انسان تشریح گردیده و برای هر یک از این احکام استدلال، منطق و دلیل عقلی استوار، حاکم است. جان بروای فرانسوی در این باره می‌نویسد: «تعالیم اسلام... در آن، چیزی مخالف عقل و دانش و منطق یافت نمی‌شود».^۱ ولتر فرانسوی هم می‌نویسد: «دین محمد دینی است معقول و جدی و پاک و بشر دوست».^۲ وی به نقش عقلانی بودن اسلام در گسترش آن اشاره نموده، و می‌نویسد: «... بسیار مشکل بود دینی چنین معقول، قسمت بزرگی از کره زمین را فرا نگیرد...».^۳

شاید همین عقلانی و استوار بودن عقاید اسلامی و از سوی دیگر وجود روحیه عدم پذیرش سخنان بی‌منطق و بدون دلیل است که خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «أدع الی سبیل ربک بالحکمة و...»^۴ و یا در آیات دیگر به پیامبر اکرم دستور می‌دهد تا از کفار برای اثبات عقایدشان دلیل بخواهد: «قل هاتوا برهانکم...»^۵. در واقع، آگاهی و قدرت استدلال مبلّغ در دفاع از دین، و حکیمانانه بودن تبلیغ مسئله‌ای است که از جایگاه ویژه‌ای در امر تبلیغات برخوردار می‌باشد، و همان گونه که ما بارها علت تشریح احکام را از زبان بزرگان دین (علیهم‌السلام) شنیده‌ایم، باید بکوشیم تا متقن و استوار بودن پیام دین را بر همگان آشکار نماییم.

البته باید توجه داشت که رعایت ظرفیت و استعداد مخاطبان در این مسئله لازم و بایسته است، چنان که این امر در سفارش پیامبر به مُعَاذ بن جبل به خوبی قابل

۱. آل اسحاق خوینی، اسلام از دیدگاه دانشمندان غرب، ص ۲۴۱.

۲. همان، ص ۲۹۱.

۳. همان، ص ۲۹۲.

۴. نحل/۱۲۵.

۵. انبیاء/۲۴.



مشاهده است: «در هر کاری که بیم انتقاد داری قبلاً حکمت و مصلحت آن را برای مردم بیان کن، تا ندانسته عیب جویی نکنند»^۱

منابع

- ۱- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، انتشارات گمگشت، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
- ۲- شیخ مفید، الاختصاص، تصحیح و تعلیق علی‌اکبر غفاری، منشورات جماعة المدرسین، قم.
- ۳- طبرسی، اعلام الوری، ترجمه عطاردی، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۹۸.
- ۴- شیخ صدوق، امالی، تحقیق قسم الدراسات الاسلامیه، موسسة البعثة، قم، ۱۴۱۷.
- ۵- خویی آل اسحاق، اسلام از دیدگاه دانشمندان جهان، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، ۱۳۷۰.
- ۶- بحار الانوار، دار احیاء التراث العربیه، بیروت، ۱۴۰۳.
- ۷- ابن عبد السیر، الاستیعاب، دار الجیل، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲.
- ۸- حسینی سید حسین، پس از باران، نشر محدث، ۱۳۸۲.
- ۹- تحف العقول، ترجمه جنتی، انتشارات علمیه اسلامیة، چاپ تابش، ۱۳۶۲.
- ۱۰- تاریخ ابن خلدون، موسسة مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳.
- ۱۱- تاریخ طبری، دار سویدان، بیروت.
- ۱۲- زرگری نژاد، تاریخ صدر اسلام سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) چاپ اول، ۱۳۷۸.
- ۱۳- خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، دار الکتب العلمیه، بیروت ۱۴۱۷.
- ۱۴- قطب الدین الراوندی، الخرائج و الجرایح، موسسه الامام المهدی، قم المقدسه، چاپ اول.
- ۱۵- شیخ صدوق، خصال، تصحیح و تعلیق علی‌اکبر غفاری، منشورات جماعة المدرسین، قم، ۱۴۰۳.
- ۱۶- عزتی، ابوالفضل، دیباچه‌ای بر تاریخ فلسفه نشر اسلام، دار التبلیغ اسلامی، قم.
- ۱۷- فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ترجمه دکتر محمود مهدوی دامغانی، نشرنی، ۱۳۷۶.
- ۱۸- مصطفی دلشاد تهرانی، رهزنان دین، انتشارات دریا، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- ۱۹- سیره ابن هشام، ترجمه سید هاشم رسولی، کتابخانه اسلامیة، چاپ گیتی، ۱۳۶۶.
- ۲۰- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، دار احیاء التراث العربیه، عیسی البابی الحلبی و شرکاء، ۱۳۸۷.
- ۲۱- صفة الصفوة، ابن جوزی، دارالمعرفة، بیروت ۱۴۰۶.
- ۲۲- صحیح بخاری، دار الفکر للطباعة و النشر، ۱۴۰۱.

^۱ تحف العقول، همان.



- ٢٣- طبقات ابن سعد، ترجمه دكتور محمود مهدوى دامغانى، انتشارات فرهنگ و اندیشه.
- ٢٤- متقى هندى، كنز العمال، مؤسسة الرساله، بيروت، ١٤٠٩.
- ٢٥- مسند احمد بن حنبل، دار صادر، بيروت.
- ٢٦- طبرانى، معجم الكبير، تحقيق و تخريج حمدى عبد الحميد السلفى، دار احياء التراث العربىة؛ مكتبة ابن تيميه، قاهره.
- ٢٧- مغازى واقدى، ترجمه دكتور محمود مهدوى دامغانى، چاپ دوم مركز نشر دانشگاهى، ١٣٦٩.
- ٢٨- شيخ صدوق، من لا يحضره الفقيه، دار الكتب الاسلامى، ١٣٩٠.
- ٢٩- هيثمى، مجمع الزوائد، دار الكتب العلميه، بيروت، ١٤٠٨.
- ٣٠- رى شهرى، محمد، ميزان الحكمه، ترجمه حميدرضا شىخى، دارالحديث، ١٣٧٧.
- ٣١- حسن بن سليمان حلى، المحتضر، انتشارات المكتبة الحيدريه، ١٤٢٤.
- ٣٢- طبرى؛ مكارم الاخلاق، چاپ دوم منشورات الشريف الرضى، قم، ١٤٠٨.
- ٣٣- نهج الفصاحه، ترجمه پاينده.
- ٣٤- تاريخ يعقوبى، ترجمه محمد ابراهيم آيتى، شركت انتشارات علمى و فرهنگى.

